

## در ارتباط با اختلاس بزرگ

امیرفیض - حقوقدان

هرچه بگردد نمکش میزنند      وای به روزی که بگردد نمک

سالها قبل در مجله تهران مصور شرح حال دزدی بقلم خود اونوشته شده بود که او پس از ترک دزدی واشتغال به کسب تعمیر و فروش ماشین مرد موفق آنروزها شناخته میشد. او به مطلبی اشاره کرده بود که چون انسان همواره نگران دزد و دزدی است آن مطلب فراموش بنده نشده است. نوشته بود: «ما دزدان تاراه فرار خود را هموار نکنیم دست به سرقت نمی‌زنیم باید مطمئن بشویم که میتوانیم فرار کنیم و دستگیر نشویم آنوقت به خانه‌ها و یا تاجرانخانه‌ها دستبرد می‌زنیم»

اسباب فرار با توجه به موضوع خلافتکاری و زمان و مکان متفاوت است. امروزه اختلاسهای بزرگ، جاسوسی به زیان کشور، مخالفت با حکومت کشور، ترور و بطور کلی قانون شکنی و فرار از دستگیری و تعقیب، به فرار از کشور گره خورده است، آنهم به کشورهایی که قرارداد استرداد مجرمین را با کشور محل وقوع جرم ندارند.

اجرای این برنامه یعنی فرار متهم از کشور، دو مرحله کاملا متمایز دارد اول فرار از کشور که ممکن است بصورت قانونی و یا غیر قانونی صورت گیرد دوم ورود به کشور ثالث است که بدون داشتن ویزا ممکن نیست و از آنجا که صیغه فرار امری فوری و کاری مخفی است لذا روال اداری معمول ویزا جوابگوی آن نیست و تا آن تشریفات انجام شود خاصه که کشور ویزا دهنده هم بی اطلاع از جریاناتی که سبب فرار متقاضی ویزا گردیده نیست فوریت فرار از کشور تحقق پذیر نخواهد بود.

برای رفع این مشکل، توسل به تابعیت دوگانه کاملا رفع مشکل مینماید و افراد، زمینه فرار موفقیت آمیز خود را با تحصیل تابعیت کشور ثالثی فراهم میکنند و با داشتن گذرنامه آن کشور ویا کارت اقامت مشکلی در ورود به آن کشور ثالث ندارند و عینا همانند یک شهروند آن کشور با او رفتار میشود.

یقین مسلم است که اگر آقای خاوری تابعیت کشور کانادا را نداشت، احساس مسئولیت و ترس از قانون شکنی و تعقیب و مجازات مانع میگردد که این اختلاس بزرگ جریان یابد در عبارت همان دزدی که شرح رفت آقای خاوری راه فرار خودشان را هموار ساخته بود و این برنامه یعنی فرار و اقامت در کانادا بعنوان یک شهروند کانادایی پایگاه پشتیبانی ایشان در حرکت مسیر اختلاس و اختلاسیون بوده است.

### تأثیر روانی تابعیت دوم

بطور کلی انسان با قبول تابعیت دوم پیوند احساسی و تعلق خاطر و علائق زمانی خود را نسبت به کشورش از دست میدهد و یا لاقلاً در مرتبه دوم قرار میگیرد بهمین دلیل است که قانونگذاران برخی از کشورها در اعتماد عمومی به این افراد راه احتیاط را انتخاب کرده و مقرر داشته اند که واجدین تابعیت دوگانه نمیتواند وزارت وکالت مجلس و یا تصدی خدمات دولتی را داشته باشند.

اولین مقرراتی که درباره تابعیت ما ایرانیان وضع شد در زمان ناصرالدین شاه بود که محدود به موقعیت خانم هانی میشد که همسران خارجی انتخاب میکردند قانون تابعیت برای اولین بار در زمان رضاشاه کبیر وضع و تکمیل گردید که همان قانون اکنون نیز مورد عمل جمهوری اسلامی است یعنی مقامداران و متصدیان امور کشوری و لشگری و نمایندگان مجلس و حتی انجمن‌ها نمیتوانند دارای تابعیت کشوری دیگری باشند فقط باید یک تابعیت آنهم تابعیت ایران را داشته باشند.

در قانون تابعیت ایران تابعیت دوم جرم شناخته نمیشود ولی دارنده تابعیت دوم نمیتواند مالک اموال غیر منقول در ایران باشد چه آنکه آن اموال قبل از قبول تابعیت دوم به مالکیت او درآمده باشد و چه بعدا آنرا مالک شده باشد (این محدودیت وقتی است که قبول تابعیت دوم بدون اطلاع و موافقت وزارت خارجه ایران انجام شود)

احتیاط قانون تابعیت و منع اشخاص متصدی امور کشور از تابعیت دوم امری طبیعی است زیرا اگر به تشریفات قبول تابعیت دوم نگاه کنیم می بینیم که سوگند وفاداری به کشور دوم و اطاعت از قوانین آن کشور شرط اصلی برای قبول تابعیت دوم است.

دکتر جعفرکی نیا متخصص حقوق بین الملل نوشته است: «در سوگند نامه کسب تابعیت آمریکا تصریح شده است که متقاضی تابعیت آمریکا وفاداری خود را نسبت به کشوری که قبلاً تابعیت آن را داشته ترک میگوید و بدون قید و شرط سوگند ترک تابعیتی را ادا مینماید»

زیرا وفاداری به دو کشور با دو فرهنگ و با دو سیاست و دو حکومت و با دو دین متفاوت نمیشود این تعارض، نفس وفاداری را معدوم میسازد.

در آگهی های استخدامی بانک ها و موسسات اعتباری جمهوری اسلام یکی از شرائط داو طلبان نداشتن تابعیت مضاعف (تابعیت کشوری دیگر) اعلام شده است آیا این شرط در مورد آقای خاوری رئیس بانک ملی ایران لازم الرعایه نبوده است؟ مسلم بوده است! ولی به مصداق «رطب خورده منع رطب کی کند» چه مقامی در جمهوری اسلامی که خودش هم تابعیت کشوری را دارد میتواند این قاعده را مجری دارد؟

حسینی باصطلاح وزیر اقتصاد گفته است: «تمام مجوزهای لازم مبنی بر تائید صلاحیت های عمومی و تخصصی آقای خاوری از مراجع ذیصلاح را گرفته ام»

اظهارات ایشان نشان میدهد که داشتن تابعیت کانادا برای آقای خاوری بنظر حکومت جمهوری اسلامی از موارد رد صلاحیت انتصاب آقای خاوری به ریاست بانک ملی نبوده. در کلامی دیگر چون عموم سردمداران جمهوری اسلامی دارای تابعیت دوگانه اند لذا اجرای قانون تابعیت منتفی است والا در حالیکه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام میکند که «ما به تمام فعالیت های ایرانیان اشراف داریم» چگونه ممکن است، نداند که رئیس بانک ملی کشور تبعه کشور کانادا است؟

تاریخ نشان میدهد که هر زمان موضوعی مورد توهم بوده و یا کاذب بوده و یا خود جلوه حقیقت داده برای رفع تردید ها کمیسیونی از نمایندگان و محترمین کشور بریاست رئیس بانک ملی ایران تشکیل میشده تا موضوع رسیدگی کند و اظهار نظر آن کمیسیون به اعتبار وجود شخص رئیس بانک ملی با اعتماد عمومی همراه میشد مانند ادعای اینکه جواهرات سلطنتی بانک ملی بوسیله رضاشاه کبیر به خارج رفته است که فروغی با تشکیل چنان کمیسیونی با حضور رئیس بانک ملی ایران وقت به این کاذب و دروغ بزرگ خاتمه داد.

رئیس بانک ملی ایران آدم کوچکی نیست رئیس و مسئول اعتماد عمومی و مالی کشور است تمام جواهرات و پشتوانه پول در جریان کشور در اختیار اوست وقتی چنین شخصی تابعیت کشور دوم را دارد و حکومت هم به تابعیت دوم او اهمیتی نمیدهد، چرا روسای بانکهای دیگر همین راه آقای خاوری را طی نکنند چنانکه در خبرها آمده بود که یک اختلاس یکصد ملیون دلاری در همین روزها در اصفهان کشف شده است.

هر چه بگنند نمکش میزنند وای به روزی که بگنند نمک

### پیشگیری از حوادث مشابه

آقای اژه ای که باصطلاح متصدی تعقیب پرونده اختلاس بزرگ است گفته: «لازم است ترتیبی داده شود که از بروز حوادث مشابه جلوگیری شود»

مهمترین ترتیب، اجرای قانون تابعیت است چرا باید قانون تابعیت از سال ۱۳۵۷ تاکنون بلا اجرا بماند که مانده است و حتی نمیتوان یک مورد اجرایی آنرا نشان داد.

چگونه یک کشور اسلامی با حکومت اسلامی میتواند افرادی که تابعیت کشورهای کفر را دارند در مقامات صدری کشور باقی‌ماند؟

فرق است بین موردی که مثلاً یک فرانسوی تابعیت آمریکا را هم قبول کند با اینکه یک ایرانی مسلمان تابعیت یک کشور کفر را بپذیرد مقوله دوم را اسلام پذیر نیست و اگر سوگند وفاداری به کشور کفر را از باب فسخ و وفاداری به کشور اسلامی بگیریم که باید بگیریم زیرا وفاداری به دوزخ و منسوخ و عدول را پیش می‌آورد چگونه جمهوری اسلامی که ادعای مبارزه با استکبار را دارد نسبت به اجرای قانون تابعیت حساسیتی ندارد؟! اسلام آوردن برای ایران این است که حضرات جمهوری اسلامی در یک جیبشان قرآن و جیب دیگر گذرنامه کشورهای کفر را داشته باشند؟! این عمل مانند آن است که یکی از فرماندهان حسین امام سوم شیعیان در کربلا سوگند وفاداری به یزید را یاد کرده باشد.

سوال این است اگر کشوری حتی احتمال بدهد که یک جاسوس خارجی در دستگاه اداری آن کشور به لباس خودی مشغول کار است آیا قضیه را ندید می‌گیرد و یا با جستجو و استفاده از هروسپیله ای که ممکن است آن جاسوس خارجی را شناسایی کرده و ارتباطش را قطع میکند در حالیکه مسئله تابعیت آقای خاوری نشانی است از اینکه امثال او بسیار است و وقتی رئیس بانک ملی چنین است چرا فرض را متوجه سایر روسای ادارات کشور و معاونین و کارمندان آنها نکرد هیچ صدائی در جهت اجرای قانون تابعیت در مورد کارکنان دولت شنیده نمیشود برعکس سید علی خامنه ای مردم را دعوت به بردباری میکند.

### موقعیت حقوقی ایران در تابعیت دوگانه

عدم اجرای قانون تابعیت نسبت به کارمندان دولت و مقامات مملکتی به معنای آن است که جمهوری اسلامی تحت الحمایه کشورهای دیگر است زیرا فقط در حالت تحت الحمایه است که شخصیت های اداره کننده کشور تحت الحمایه دارای تابعیت کشور حامی میباشند، نمونه آنرا میتوان در کاتادا و هند قبل از استقلال یافت و نص آنرا هم میتوان در منشور سازمان ملل متحد دید.

### جزیه مسلمانان به کفار

استحضار دارید که اسلام مقرر کرده که کفار برای اینکه در سرزمین مسلمانان بتوانند اقامت کنند باید قرارداد جزیه داشته باشند.

امروز سر بلندی!! جمهوری اسلامی به آنجا کشیده شده است که برای اولین بار در تاریخ اسلام این مسلمانان ایران هستند که با کفار قرارداد جزیه امضا میکنند و جزیه هم میدهند توضیح اینکه:

سوگند ایرانیان مسلمان برای تحصیل تابعیت و اقامت در کشورهای خارجی همان قرارداد جزیه است که ایرانی مسلمان تعهداتی میکند از جمله رعایت قوانین دولتی آن کشور است و جزیه هم مالی است که ایرانی مسلمان بابت مالیات از درآمد خود در آن کشور بدولت میپردازد و جالب اینجاست که این حق جزیه پرداختی به دولت فقط به درآمد های جزیه دهنده در کشور محل اقامت (کشور تابعیت دوم) تعلق نمیگیرد بلکه درآمدی که در کشور اول خود هم دارد را شامل میشود.

یک خفتی را هم باید منظور داشت که در قرارداد جزیه اسلامی جزیه دهنده وفاداری خود را از اسلام سلب نمیکند ولی از ننگی که جمهوری اسلامی بر ملت ما تحمیل کرده متقاضیان تابعیت دوم وفاداری خودشان را هم از ایران اعلام ترک میکنند.

### وعده های تو خالی

اخیرا آقای رامین مهمانپرست سخنگوی باصطلاح وزارت امور خارجه در رابطه با جریان اختلاس بزرگ در جلسه هفتگی خبری خود در همین ماه مهر گفت «تابعیت مضاعف خلاف قانون اساسی است و اضافه کرد این موضوع در حال بررسی

است که چه کسانی تابعیت دوگانه دریافت کرده اند و اگر اطلاعاتی در رابطه با تابعیت دوگانه برخی از مسنولین بدست آید به ارکان های مربوطه احاله خواهد شد)

**حاشیه -** هیچگاه چنین بررسی که ایشان وعده داده انجام نخواهد شد زیرکتر شخصی را میتوان یافت و یا تصور کرد که در جمهوری اسلامی جزء مصادر امور باشد و تابعیت کشور دیگری رانداشته باشد تا در اولین فرصت واحساس خطریه کشوری که تابعیت آنرا دارد فرار کند همین آقای مهمانپرست هم از این مقوله خارج نیست شخصیت های جمهوری اسلامی چون سرنوشت افسران وصاحب منصبان اداری زمان شاه را دیدند و میدانند که در صورت فروریختن جمهوری اسلامی همان سرنوشت باابعاد نوتری از آن آنها خواهد شد راه فرار خود را باکسب تابعیت کشور دیگری هموار کرده اند

پایان حاشیه